

بررسی تحلیلی مسئله «فترت وحی» در ارتباط با نزول آیات قرآن کریم

مجتبی محمدی انویق^۱

مرتضی قاسمی حامد^۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

چکیده

برخی از روایات، گویای آنند که در دوره‌ای از تاریخ نزول قرآن کریم در صدر اسلام، ارتباط پیامبر اکرم (ص) با فرشته وحی قطع شده و آیات قرآن بر آن حضرت نازل نشده است. روایات مختلف در این باره، طول این دوره را از سه روز تا سه سال بیان کرده‌اند. در این باره باید گفت که نزول آیات قرآن کریم، به صورت تدریجی اتفاق می‌افتاد و طبیعتاً بعد از نزول هر بخش از آیات تا زمان فرارسیدن بخش بعدی، فترتی روی می‌داد؛ اما چیزی که غیر قابل پذیرش است اینکه نمی‌توان فترت وحی را به معنای خاص و به مدت طولانی در صدر اسلام پذیرفت. برخی از ادله نفی این دیدگاه عبارتند از: نیاز به نزول قرآن به عنوان معجزه در ابتدای بعثت، نشئت گرفتن انگاره فترت وحی از دیدگاه دعوت مخفی، نبود تناسب تاریخی و محتوایی میان آیات قرآن کریم و دیدگاه فترت وحی و بی‌اعتبار بودن روایات فترت وحی. پژوهش حاضر سعی کرده است تا با توجه ویژه به تاریخ نزول قرآن و نیز با بررسی محتوایی آیات، تحلیلی انتقادی از روایات فترت وحی داشته باشد.

واژگان کلیدی: فترت وحی، انقطاع وحی، نزول قرآن، سوره ضحی، سوره مدثر.

۱. طرح مسئله

منظور از «فترت وحی» و به عبارت دیگر «انقطاع وحی»، نازل نشدن آیات قرآن بر قلب پیامبر اکرم (ص) در برهه‌ای از زمان است. برخی از روایات با طرح قضیه فترت وحی بیانگر آنند که قرآن کریم برای مدتی بر پیامبر اکرم (ص) نازل نشده است؛ به گونه‌ای که آن حضرت از این امر بسیار اندوهگین شده‌اند (ابن هشام، بی‌تا، ج: ۱: ۲۴۱). این روایات به صورت‌های مختلف و در قالب داستان‌های متفاوتی بیان شده‌اند (نک: صنعانی، بی‌تا، ج: ۵: ۳۲۲؛ ابن حنبل، بی‌تا، ج: ۶: ۲۳۳؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج: ۶: ۸۸). نوشتار حاضر در صدد تحلیل روایات فترت وحی و بررسی آن‌ها از جنبه‌های گوناگون است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که ماجرای فترت وحی تا چه اندازه می‌تواند صحیح باشد و چه ملاک‌هایی برای نقد و ارزیابی آن وجود دارد.

۲. روایات فترت وحی

به طور کلی، روایات فترت وحی که به طور مستقیم با سه سال نخست بعثت پیامبر اکرم (ص) ارتباط دارند، دو دسته‌اند؛ یکم: دسته‌ای که به فترت رخ داده پس از نزول سوره علق و پیش از نزول سوره ضحی اشاره دارند و دوم، دسته‌ای که از فترت اتفاق افتاده پس از نزول سوره علق و پیش از نزول سوره مدثر سخن می‌گویند.

۲-۱. روایات فترت وحی پیش از نزول سوره ضحی

اکثر روایات حاکی از فترت وحی بیانگر آنند که فترت مورد نظر پیش از نزول سوره ضحی رخ داده است؛ برای نمونه در ادامه برخی از روایات حاکی از نزول آیات آغازین سوره علق چنین آمده است: «... آن‌گاه جبرئیل در نزول قرآن مدتی تأخیر کرد و خدیجه به پیامبر اکرم گفت: می‌بینم پروردگارت تو را رها کرده است. در این هنگام خداوند نازل کرد: «وَالضُّحَى. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج: ۲: ۲۹۹-۳۰۰).

از جندب بن عبدالله روایت شده است که وحی برای مدتی بر رسول گرامی اسلام نازل نشد. زنی از قریش [به طعنه] گفت: شیطان محمد در آمدن نزد وی تأخیر کرده است. آنگاه سوره ضحی نازل شد: «وَالضُّحَى. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج: ۲: ۴۳).

هشام بن عروه از پدرش نقل کرده است: «جبرئیل برای مدتی بر پیامبر اکرم وحی نازل نکرد و از این روی اندوه شدیدی رسول خدا را فراگرفت، خدیجه گفت: آن‌گونه که پیداست پروردگارت تو را رها کرده است. در این حال خداوند نازل فرمود: «وَالضُّحَى. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۸ق: ۳۰۲).

خدمتکار رسول خدا (خوله) گوید: «سگ‌توله‌ای وارد خانه پیغمبر شد و به زیر تخت رفت و همانجا مرد. وحی برای مدتی بر پیامبر اکرم نازل نشد. پیامبر اکرم فرمود: ای خوله، چه اتفاقی در خانه من رخ داده است که جبرئیل نزد من نمی‌آید؟ خوله گوید: با خود گفتم بهتر است خانه را مرتب کنم و آن را جارو بزنم. هنگامی که جارو را زیر تخت می‌کشیدم ناگهان متوجه یک چیز سنگین شدم و آن را بیرون آوردم که سگ‌بچه‌ای مرده بود. آنگاه رسول خدا در حالی وارد شد که محاسن مبارکش می‌لرزید (بر او وحی نازل می‌شد). ... رسول اکرم به من گفت: ای خوله، مرا بیوشان. در این حال خداوند متعال سوره مبارکه ضحی را نازل فرمود: «وَالضُّحَىٰ. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ» (همان).

زید بن ارقم گوید: «زمانی که سوره تبت نازل شد، به زن ابولهب خبر دادند که محمد از او بدگویی کرده است. آن زن نزد پیامبر اکرم که در میان جمعیت بود رفت و گفت: ای محمد، به چه خاطر از من بدگویی کرده‌ای؟ رسول خدا فرمود: سوگند به خدا که من از تو بدگویی نکرده‌ام؛ این خداوند است که از تو بد گفته است. آنگاه زن ابولهب خطاب به پیامبر گفت: آیا تاکنون مرا دیده‌ای که هیزم بر دوش کشم؟ آیا در گردن من ریشمانی از لیف خرما مشاهده کردی؟ آن زن این جملات را گفت و رفت. پس از آن رسول خدا ایامی را سپری کرد که بر او وحی فرو نمی‌آمد. زن ابولهب نزد پیامبر اکرم رسیده و گفت: می‌بینم صحبت تو را رها کرده و دشمن داشته است! در این حال خداوند متعال نازل فرمود: «وَالضُّحَىٰ. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۳۶۰).

۲-۲. روایت فترت وحی پیش از نزول سوره مدثر

بنا بر روایت منقول از جابر بن عبدالله انصاری، فترت موجود پس از نزول سوره علق و پیش از نزول سوره مدثر اتفاق افتاده است. روایت وارد شده در این باره به صورت زیر است:

از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است: «رسول خدا در حالی که از فترت وحی سخن می‌گفت، فرمود: در حال راه رفتن بودم که ناگهان صدایی از آسمان شنیدم؛ سرم را بلند کردم و فرشته‌ای را که در غار حراء بر من نازل شده بود مشاهده کردم. او در تختی وسط آسمان نشسته بود، وحشت‌زده نزد خانواده آمدم و گفتم: مرا بیوشانید. پس خداوند عز و جل نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ. قُمْ فَأَنْذِرْ. وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ. وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ. وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ». پس از آن وحی به صورت متوالی و پشت سر هم نازل شد» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۶: ۸۹؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۳۰۶).

۲. بررسی موضوع فترت وحی

طبیعت نزول وحی بر پیامبر اکرم به صورت تدریجی بوده است. آیات قرآن کریم در طول بیست و سه سال رسالت پیامبر اکرم، در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف، گاه در روز و گاه در شب، گاه در سختی و گاه در آسانی به آن حضرت الهام می‌شده است. برخی اوقات، نزول آیات جدید تنها به فاصله اندکی پس از نزول آیات قبلی انجام می‌گرفت. گاهی نیز فاصله بین دو وحی قدری بیشتر به طول می‌انجامید. هر زمان بخشی از آیات قرآن کریم به عنوان واحد مستقل و حیانی بر پیامبر اکرم نازل می‌شد (صالح، ۱۳۷۲ش: ۵۰). تعیین فواصل بین واحدهای وحیانی - که هر کدام بخشی از آیات قرآن کریم را شامل می‌شد - در اختیار خود پیامبر اکرم و یا فرشته وحی (جبرئیل) نبود؛ بلکه این کار تنها به اذن خداوند متعال انجام می‌گرفت.

با نگاه دقیق‌تر به مسئله وحی باید گفت که عنوان فترت وحی را می‌توان به هریک از فواصل موجود میان دو واحد وحیانی اطلاق کرد؛ به عبارت دیگر بین دو واحد مستقل و حیانی همواره فترتی به وجود می‌آمده است و چنین نبوده است که وحی بر پیامبر اکرم به صورت یکپارچه و مستمر نازل شود؛ بنابراین طبیعت نزول وحی بر پیامبر اکرم به صورت تدریجی بوده و لازمه نزول تدریجی، وجود فترت بین دو واحد مستقل و حیانی است.

با این همه گفتنی است روایاتی که اشاره به موضوع انقطاع وحی دارند فترت مورد نظر را فترتی می‌دانند که متمایز از فترت‌های عادی بوده و به صورتی خاص ایجاد شده است. روایات موجود، مدت این فترت را از سه روز تا حدود سه سال بیان کرده‌اند.

درباره مطلب فوق باید گفت که عدم نزول وحی به مدت چند روز یا چند هفته با توجه به طبیعت نزول قرآن کریم نمی‌تواند مسئله‌ای غیرعادی به شمار آید؛ چیزی که جای بحث دارد نازل نشدن آیات قرآنی در طول دو یا سه سال، آن هم در سال‌های آغازین بعثت است. در ادامه این بحث ذیل چند شماره به ادله نفی این دیدگاه می‌پردازیم.

۱-۳. نیاز به نزول قرآن به عنوان معجزه در ابتدای بعثت

بر خداوند متعال فرض است که هنگام فرستادن پیامبری با شریعت مستقل، رسول خود را به نشانه‌ای مجهز کند که مردم در تشخیص صحت گفتار او دچار تردید نشوند (حلی، ۱۴۱۷ق: ۴۷۴)؛ پیامبران الهی در طول تاریخ برای اثبات نبوت خویش نیازمند معجزه بوده‌اند (خویی، بی‌تا: ۳۷). موسی (ع) زمانی که مأمور به ابلاغ رسالت الهی و دعوت فوعون و فرعونیان به سمت حقیقت شد؛ خداوند معجزه عصا را به او عطا فرمود (نمل، ۱۰). عیسی (ع) مطابق با فضای جامعه‌ای که در آن می‌زیست خارق عادت‌هایی را در برابر دیدگان ناباوران انجام می‌داد و بدین‌گونه اتمام حجت می‌کرد (مأئده، ۱۱۰).

رسول گرامی اسلام در جامعه‌ای می‌زیست که مردمان آن به فرهنگ و زبان عربی خویش بسیار می‌نازیدند. فخر به پدران و خاندان و دارایی‌های دنیوی و خدایان خودتراشیده خویش از اعراب آن زمان مردمانی بس لجوج و خودسر پدید آورده بود که به راحتی حاضر نبودند در مقابل فرهنگ‌های دیگر کرنش کرده و دست از باورهای پیشینیان خود بردارند. بزرگان عرب غالباً به خاطر منفعت‌های شخصی و بهره‌برداری از افراد ساده‌لوح و خوش‌باور و به جهت رسیدن به اهداف دنیوی و مادی خود چنان قداستی به فرهنگ جاهلی و آیین بت‌پرستی بخشیده بودند که به آسانی نمی‌شد حصارهای محکم آن را در هم شکست. در چنین فضایی بود که پیامبر گرامی اسلام به رسالت مبعوث شد. خاتم پیامبران نیز همچون انبیاء گذشته نیازمند ارائه نشانه‌ای خارق‌العاده در جهت اقناع جامعه‌ای متعصب بود که به آسانی حاضر به کنار گذاشتن تعصبات قومی خود نبودند.

با در نظر گرفتن فضای جامعه عصر رسالت، نیاز به معجزه‌ای که مدعیان فصاحت و بلاغت و فرهنگ عربی را به زانو در آورده و آنان را از گمراهی‌های تعصب و خودبرتربینی به سمت اسلام و تسلیم بکشاند، از همان آغاز احساس می‌شد. این معجزه می‌بایست دارای ویژگی‌هایی بود که به تمامی ادعاهای مشرکان عرب پاسخ می‌داد و آنان را از همه نظر ناتوان می‌ساخت؛ می‌بایست معجزه‌ای بود که هر چه را که مشرکان عرب به آن می‌نازیدند، زیر سؤال می‌برد.

قرآن کریم واجد همه ویژگی‌های یاد شده به عنوان معجزه‌ای برتر در برابر مشرکان عرب بود. قرآن کریم هم از لحاظ فصاحت و بلاغت در حد اعلی بود و هم از لحاظ قوانین و تشریعاتی که به کار می‌بست؛ هم ظاهری آراسته داشت و هم باطنی عمیق و ژرف (نهج البلاغه، ص ۶۱)؛ به همین خاطر از همان آغاز، دل‌های مشرکان را به خود جذب کرد.

با توجه به مقدمات فوق آیا پذیرفتنی است قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید پیامبر اکرم نتواند در سخت‌ترین و مهم‌ترین شرایط کارایی لازم را به عنوان معجزه در برابر مشرکان داشته باشد؟ آیا مشرکان در سالهای آغازین بعثت بی‌خبر از قرآن کریم و بدون آگاهی از راهنما و نقشه اصلی اسلام ایمان می‌آوردند؟ مسلماً چنین نبوده است؛ در طول این سه سال نه تنها آیات قرآنی نازل می‌شده است بلکه با بررسی شرایط پیامبر اکرم و مسلمانان در آن سال‌ها و نیز با توجه به اوضاع جامعه در عصر ظهور اسلام می‌توان گفت که بیشترین آیات قرآن کریم باید در همان فاصله چند سال نخست بعثت در آن سال‌ها که بیش از هر زمان دیگر نیاز به وجود معجزه‌ای چون قرآن کریم احساس می‌شد نازل شده باشد. قرآن کریم در سال‌های ابتدایی بعثت به عنوان هدایت‌گر و حیانی، نقشی اساسی و تعیین‌کننده داشته است. آیات قرآن کریم در موقعیت‌های مختلف و در شرایط گوناگون بر پیامبر اکرم نازل می‌شد و مهم‌ترین عامل در پیش‌برد آیین اسلام در سالهای آغازین رسالت بود. قرآن کریم از همان روزها و ماه‌های نخست پیامبر اکرم را به تبلیغ آیین اسلام تشویق می‌کرد و او را به دعوت مشرکان به سوی خداوند یکتا

فرا می‌خواند و با قاطعیت تمام در برابر دشمنان مشرک واکنش نشان می‌داد. برای نمونه آیات سوره علق در اعتراض به ابوجهل و به منظور مقابله با او نازل شده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰: ۱۶۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۷۸۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۳۶۹-۳۷۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۵۷۲). بخشی از سوره مدثر در سرزنش ولید بن مغیره - که از روی شرارت قرآن را سحر و جادو خوانده بود - نازل شد (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۹: ۹۶؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ۷۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۳۶۱-۳۶۲؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۵: ۵۱۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۵۲۵). سوره مسد در برابر ابولهب و همسر او موضع-گیری کرد و بالاخره سوره کافرون درخواست کافران را مبنی بر تساهل و تسامح رد کرد و مرزهای بین اسلام و کفر را به صورت روشنی ترسیم نمود.

۲-۳. نشئت گرفتن فترت وحی از دیدگاه دعوت مخفی

اعتقاد به موضوع فترت وحی پیوند مستقیمی با اعتقاد به پنهانی بودن دعوت اسلامی در سه سال نخست بعثت دارد. توضیح اینکه سوره‌های آغازین قرآن کریم از جمله سوره‌های حمد، علق، قلم، مدثر، مزمل، مسد، کافرون و غیره که در همان ماه‌های نخستین بعثت نازل شده‌اند، به صراحت تمام در برابر مشرکان مکه اعلام موضع کرده و از پیامبر اکرم خواسته‌اند به صورت صریح و آشکارا به تبلیغ آیین اسلام بپردازد و مشرکان را به سوی خداوند یکتا دعوت کند؛ این مطلب ناقض دیدگاه دعوت مخفی بوده و این قول را با مشکل جدی مواجه می‌کند؛ بنابراین روایات فترت وحی به مدت طولانی را کسانی رواج داده‌اند که مخفیانه بودن دعوت پیامبر اسلام را متناقض با آیات نخستین قرآن کریم یافته‌اند و برای رفع این تناقض، اصل را بر دعوت مخفی گذاشته و نزول سوره‌های نخستین را مربوط به دوره پس از دعوت مخفی دانسته‌اند؛ به عبارت دیگر، اعتقاد به دعوت پنهانی در سه سال نخست بعثت و از سوی دیگر نیافتن کمترین قرینه‌ای در تأیید این باور در سوره‌های آغازین قرآن کریم به انکار کلی نزول قرآن در این دوره انجامیده است که از آن به فترت وحی تعبیر می‌شود.

۳-۳. نبود تناسب میان سوره مدثر و دیدگاه فترت وحی

سوره مدثر چهارمین سوره نازل شده از قرآن کریم است (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۲۹۹). نزول این سوره در همان ماه‌های نخست رسالت پیامبر اکرم پس از سوره‌های حمد و علق انجام گرفته است. مهم‌ترین دلیلی که برخی از روایات، فترت وحی را پیش از نزول سوره مدثر دانسته‌اند این است که این سوره به صورت صریحی دستور به انذار مشرکان و دعوت آنان به سوی اسلام می‌دهد و این مسئله متناقض با مخفیانه بودن دعوت پیامبر اکرم در سالهای آغازین بعثت است.

سوره مدثر از همان آغاز پیامبر اکرم را به انداز مردم و دعوت مشرکان به سوی آیین اسلام فرا خوانده و ایشان را در این راه به صبر و شکیبایی تشویق کرده است. این سوره در ادامه، موضع گیری قاطعی در برابر مشرکان لجوج مکه از خود نشان داده است؛ از جمله اینکه با توجه به روایات، آیات ۱۱ به بعد این سوره در شأن ولید بن مغیره نازل شده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰: ۳۳۸۲؛ طبرسی، ۱۳۷۷ش، ج ۴: ۳۹۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۲۸۲). این روایات بیان می‌دارند که ولید بن مغیره نزد پیامبر آمد و به آیات قرآن گوش داد و گویا تحت تأثیر جذابیت آن قرار گرفت؛ این امر به گوش ابوجهل رسید. او نزد ولید آمد و گفت: ای عمو، قوم تو تصمیم دارند ثروتی گرد آورند و آن را به تو بدهند؛ زیرا به آنان خبر رسیده است تو نزد محمد رفته‌ای تا از آنچه نزد اوست برخوردار شوی. ولید پاسخ داد: چنین نیست؛ آنان به خوبی می‌دانند که من از ثروتمندترین افراد قریش هستم. ابوجهل گفت: پس سخنی بگوی که قوم تو بدانند تو انکارکننده سخنان محمد هستی و آن را ناپسند می‌دانی. ولید گفت: چه بگویم؟! به خدا قسم هیچ یک از شما داناتر از من به اشعار عرب نیست و کسی همچون من از رجز و قصیده و اشعار جن اطلاع ندارد. سوگند به خدا آنچه محمد می‌گوید شبیه هیچ یک این‌ها نیست. در سخن او حلاوت و شیرینی خاص و جذابیت و زیبایی بسیاری وجود دارد. درخت کلام او از بالا پرثمر است و از زیر پرآب. سخن او برترین سخن‌ها است و سخنان دیگر را غالب و چیره. در این حال ابوجهل به ولید بن مغیره گفت: بدان که قومت از تو راضی نخواهند شد مگر اینکه در این باره سخنی بر زبان آوری. ولید قدری فکر کرد و گفت: آن، سحر و جادویی است که محمد از دیگری آموخته است. در این هنگام آیه «ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا» نازل شد (حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۲: ۵۰۷). با توجه به مطالبی که گذشت، انگیزه راویان از قرار دادن تاریخ نزول سوره مدثر پس از سال سوم بعثت آشکار می‌شود. در واقع فترت وحی در اینجا به عنوان پلی در جهت رفع تناقض میان نظریه دعوت مخفی و مضامین سوره‌های آغازین قرآن کریم نقش آفرینی کرده است.

۳-۴. نبود تناسب میان سوره ضحی و دیدگاه فترت وحی

سوره دیگری که سبب نزول آن با موضوع فترت وحی پیوند خورده، سوره ضحی است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَالضُّحَى. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى. وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى. وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى. أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى. وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى. وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى. فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ. وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ. وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی، ۱-۱۱)؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان. سوگند به روشنایی روز. سوگند به شب چون آرام گیرد. [که] پروردگارت تو را وانگذاشته، و دشمن نداشته است. و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود. و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد، تا خرسند گردی. مگر نه تو را یتیم یافت، پس پناه داد؟ و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد؟ و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز

گردانید؟ و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار. و گدا را مَران. و از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن گوی.»

با بررسی دقیق مضامین آیات فوق باید گفت که هیچ یک از روایات وارد شده درباره سبب نزول این سوره نمی‌تواند قابل قبول باشد. اسباب نزول وارد شده درباره سوره ضحی که این سوره را نازل شده پس از دوره فترت وحی دانسته‌اند؛ نتیجه اعتقاد به دیدگاه دعوت مخفی و دیدگاه فترت وحی و تطبیق آن دو با آیه سوم از این سوره یعنی آیه «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» بوده است.

چنین به نظر می‌رسد که آیه «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى» بر اساس دیدگاه حامیان پنهانی بودن دعوت و معتقدان به فترت وحی بهترین گزینه‌ای بوده که قابلیت سازگاری با موضوع فترت وحی را داشته است؛ غافل از آنکه طبق این روایات اگر دوره فترت وحی پس از سوره علق و پیش از سوره ضحی اتفاق افتاده باشد؛ سوره ضحی از حیث ترتیب نزول سوره‌های قرآن کریم باید دومین یا سومین سوره باشد؛ حال آنکه این سوره بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها در جایگاه دهم یا یازدهم از قرآن قرار دارد (ابن ضریس، ۱۴۰۸ق: ۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰: ۶۱۲؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۳۴؛ معرفت، ۱۳۸۸ش: ۵۶-۵۷).

با بررسی سیاقی آیات سوره ضحی این نتیجه حاصل می‌شود که اساساً این آیات نمی‌توانند اشاره به موضوع فترت وحی داشته باشند. آیات این سوره علاوه بر اینکه به صورت ضمنی به سختی‌ها و رنج‌هایی اشاره دارند که از سوی مشرکان بر پیامبر اکرم وارد می‌شده است؛ بیانگر لطف و رحمت خداوند متعال نسبت به پیامبر اکرم هستند؛ به دیگر سخن آیات این سوره به لطف الهی نسبت به پیامبر اکرم از همان روزهای نخست زندگی آن حضرت اشاره کرده است و او را به صبر و استواری در برابر مشکلات ناشی از مقابله مشرکان با اسلام و لجاجت‌ورزی آنان فرا خوانده است. اگر آیات سوره مدثر اشاره به موضوع فترت وحی داشت لحن سخن باید به گونه‌ای دیگر بود؛ زیرا در این صورت می‌توان گفت لاقلاً گوشه‌ای از ناراحتی‌های پیامبر اکرم که ناشی از عدم نزول وحی بوده مربوط به خداوند متعال می‌شده است؛ یعنی خداوند خود باعث ناراحتی پیامبر اکرم شده است؛ در حالی که این مطلب مخالف با محتوای سوره ضحی و متعارض با روح آموزه‌های قرآن کریم و روایات است که رضایت پیامبر اکرم را همان رضایت خداوند می‌دانند و بالعکس.

علاوه بر این، آیات چهارم و پنجم سوره ضحی: «وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ. وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ» به روشنی دلالت بر این مطلب دارند که آنچه موجب رنج و سختی پیامبر اکرم می‌شده است مربوط به امور دنیایی و گذرا بوده است که در عوض آن خداوند متعال به پیامبر اکرم وعده آخرت و عطایی بهتر را داده است؛ نه اینکه مربوط به عدم نزول قرآن بر پیامبر اکرم و مربوط به مسائل مورد ارتباط با آخرت بوده باشد.

۳-۵. بی اعتبار بودن روایات فترت وحی

روایات مربوط به فترت وحی که در بخش‌های پیشین به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره شد، به گونه‌ای بیان شده‌اند که نمی‌توانند چندان مورد پذیرش عقلاء قرار گیرند. نخست اینکه روایات گوناگون در این باره، تناقضات جدی با یکدیگر دارند و هر یک از آن‌ها، علت‌های مختلفی برای به وجود آمدن پدیده فترت وحی ذکر کرده‌اند. ثانیاً هیچ‌یک از سخنان و دلایلی که درباره فترت وحی بیان شده، معقول و پذیرفتنی نیست (در این باره نک: سبحانی، ۱۳۸۷ ش: ۲۳۸-۲۴۵؛ فقهی زاده، ۱۳۷۸ ش: ۲۱-۳۸؛ نکونام، ۱۳۸۱ ش: ۹۱-۱۰۰). البته این نکته را نیز باید در نظر داشت که طبیعت نزول وحی چنین بود که بخش‌های گوناگون قرآن کریم، در قالب آیه یا آیات جداگانه در مواضع مختلف بر پیامبر اکرم (ص) نازل می‌شد و بین دو واحد مستقل و حیانی همواره فترتی به وجود می‌آمده است؛ بنابراین، واقعیتی به نام «اتصال وحی» در عصر نزول قرآن در صدر اسلام وجود نداشته و چنین نبوده است که وحی بر پیامبر اکرم به صورت یکپارچه و مستمر نازل شود (فقهی زاده، ۱۳۷۸ ش: ۲۲).

نتیجه‌گیری

برخی از روایات نقل شده در منابع اسلامی بیانگر آنند که آیات قرآن کریم در برهه‌ای از زمان (سه روز تا سه سال بر حسب اختلاف گزارش‌ها) بر پیامبر اکرم (ص) نازل نشده و در این دوره، «فترت وحی» اتفاق افتاده است. این روایات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- روایاتی که اشاره به فترت وحی موجود پس از نزول سوره علق و پیش از نزول سوره ضحی دارند؛ ۲- روایاتی که اشاره به فترت رخ داده پس از نزول سوره علق و قبل از نزول سوره مدثر دارند. در این ارتباط باید گفت که طبیعت نزول آیات قرآن کریم چنین بوده است که بخش‌های گوناگون آن در فواصل زمانی مختلف بر پیامبر اکرم (ص) نازل می‌شد و همواره میان این بخش‌ها، فترتی به وجود می‌آمده و واقعیتی به نام پیوستگی وحی در آن زمان معنا نداشته است؛ از این روی، نازل نشدن آیات قرآن به مدت چند روز یا چند هفته با توجه به طبیعت نزول قرآن کریم نمی‌توانست مسئله‌ای غیرعادی در تاریخ نزول قرآن کریم به شمار آید، اما «فترت وحی» به معنای نازل نشدن آیات قرآن کریم به مدت طولانی، به گونه‌ای که موجب آزار و اذیت پیامبر اکرم (ص) شود، بنا به دلایل زیر غیر قابل پذیرش است: ۱- نیاز به نزول قرآن به عنوان معجزه در ابتدای بعثت ۲- نشئت گرفتن فترت وحی از دیدگاه دعوت مخفی ۳- نبود تناسب میان سوره مدثر و دیدگاه فترت وحی ۴- نبود تناسب میان سوره ضحی و دیدگاه فترت وحی ۵- بی اعتبار بودن روایات فترت وحی.

خردنامه قرآن و حدیث

دوفصلنامه علمی - تخصصی

منابع و مأخذ

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. عربستان: مکتبه نزار مصطفى الباز.
- ۳- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۴- ابن حنبل، احمد بن محمد (بی تا). مسند احمد. بیروت: دارصادر.
- ۵- ابن ضریس بجلی، محمد بن ایوب (۱۴۰۸ق). فضائل القرآن و ما أنزل من القرآن بمکة و ما أنزل بالمدينة. دمشق: دارالفکر.
- ۶- ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا). السیره النبویه، بیروت: دارالمعرفه.
- ۷- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- ۸- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری. بیروت: دارالفکر.
- ۹- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۰- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). الکشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۱- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالمعرفه.
- ۱۲- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۳- خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- ۱۴- سبحانی، جعفر (۱۳۸۷ش). فروغ ابدیت. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۱۵- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق). التحدیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالفکر.
- ۱۶- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ۱۷- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح. قم: دارالهجره.
- ۱۸- شوکانی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). فتح القدر. دمشق - بیروت: دار ابن کثیر؛ دارالکلم الطیب.
- ۱۹- صالح، صبحی (۱۳۷۲ش). مباحث فی علوم القرآن. قم: الشریف الرضی.
- ۲۰- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (بی تا). المصنف. بیروت: المجلس العلمی.
- ۲۱- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش). جوامع الجامع. تهران: دانشگاه تهران؛ قم: مدیریت حوزه علمیه قم.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- ۲۳- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). تاریخ الأمم و الملوک. بیروت: دارالتراث.
- ۲۴- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- ۲۵- فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۷۸ش). «نگاهی دیگر به واقعه انقطاع وحی». مجله مقالات و بررسیها، شماره ۶۵، صص ۲۱-۳۸.
- ۲۶- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸ش). تاریخ قرآن. تهران: سمت.
- ۲۷- نکونام، جعفر (۱۳۸۱ش). «پژوهشی درباره فترت وحی». مجله صحیفه مبین، شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۹۰-۱۰۲.
- ۲۸- واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۳۸۸ق). اسباب النزول. قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکاه.